

ملالی جويا عليه يك دهه جنگ، اشغال و تبليغات برمی خيزد

منبع: [حزب همبستگی افغانستان](#) ، ۲۵ جدی ۱۳۹۱
نویسنده: جون کیولی | مترجم: شبیر احمد



ملالی جويا برای امریکا، ناتو و رهبران افغان یک پیام ساده دارد: بیرون شوید.

او به امریکا و دیگر کشورهای غربی می گوید که از کشورش «بیرون شوند». و او به جنگسالاران، طالبان و بنیادگرایانی که دولت بر سر اقتدار را گردانندگی می کنند می گوید که از سر راه یک آینده صلح آمیز و شکوفا برای افغانهای عام کنار روند.

درحالیکه رییس جمهور حامد کرزی آماده می شود که با بارلک اوپاما ملاقات نماید و با نزدیک شدن ۲۰۱۴ گمانه زنی ها در باره نقش آینده امریکا رویه روشن شدن است، یکی از حامیان پیشتانز صلح در افغانستان به دانشندگان امریکا -آنانی که بیزاری شان از جنگ رو به افزایش است- پیامی دارد که ندرتا به گوش می رسد: افغانها خود در میان یک قدرت اشغالگر و دولت فاسد گیر افتاده اند، از جنگ، کشتار و نابودی حقوق و آرزوهایشان به جان آمده اند.

«ما از این به اصطلاح "دست همکاری" امریکا و ناتو که برای توجیه اشغال به کار گرفته میشود، به

تنگ آمده ایم.» این را ملالی جویا در مصاحبه مفصلی با الیزا راسباخ گفته که به روز پنجشنبه در «کامن دریمز» انتشار یافته است.

جویا که به مثابه جوانترین عضو زن پارلمان افغانستان در ۲۰۰۵ به شهرت جهانی رسید، می‌گوید جنگی به رهبری آمریکا در افغانستان که "تحت شعار دروغین حقوق بشر و دموکراسی به راه افتیده" بسیار طولانی شده و آنچه اکثر افغانها خواستارشان اند خروج کامل نیروهای آمریکایی است تا افغانهای عام بتوانند وقار از دست رفته شانرا احیا کرده خود به حل مشکلات شان بپردازند.

در ارتباط به ملاقات اوپاما و کرزی، جویا به راسباخ توضیح می‌دهد که هر پیمانی که در واشنگتن بین این دو صورت گیرد، هیچ نقشی در بهبود زندگی اکثریت افغانها نخواهد داشت.

او می‌گوید:

«کرزی و اوپاما روی خطوط کلی معاهده‌ای برای قانونی ساختن پایگاه های دایمی آمریکا در افغانستان کار می‌کنند. ولی تا زمانیکه پایگاه های نظامی خارجی در کشور ما موجود باشند، ما از استقلال محروم خواهیم بود. و وقتی استقلال نداشته باشیم، هیچ چیزی نداریم و تمامی حرفها در باره دموکراسی، حقوق بشر و حقوق زنان یک طنز خواهند بود.» جویا علاوه می‌کند که تا جاییکه به دولت آمریکا مربوط می‌شود، «خوشبختی مردم افغانستان برایش هیچ ارزشی ندارد.»

«نخبگان آمریکا فقط یک ثبات نسبی می‌خواهند تا بتوانند به اشغال ادامه داده و پایگاه های نظامی شان را در افغانستان بدون دردسر زیادی نگاهدارند. اگر "ثبات" با قدرتمند شدن بدترین دشمنان مردم افغانستان بدست آید، آنان حاضرند چنین کنند. هر چند برنامه آمریکا برای مداخله و کنترل افغانستان بعد از یازدهم سپتامبر آغاز نشد، این امر به چندین دهه قبل بر می‌گردد.»

در باره داستانی که در آمریکا و سایر جاها تکرار می‌شود که گویا با خروج تمامی نیروهای ناتو، افغانستان به سوی هرج و مرج کشانیده خواهد شد، جویا این فرضیه را بلادرنگ رد می‌کند. وقتی در باره امکان یک جنگ داخلی پرسیده شد، توضیح داد:

«جنگ داخلی قبلا جریان دارد، یک جنگ داخلی خطرناک. اگر نیروهای خارجی باشند یا بیرون شوند، جنگ ادامه خواهد داشت. حضور نیروهای خارجی تنها مبارزه ما برای عدالت را مشکلتر می‌سازد چون اشغالگران، جنگسالاران مرتجع را نیرومند تر می‌سازند و حال به تقویت طالبان نیز می‌پردازند.»

چنانچه تعداد زیادی از کارشناسان ادعا می کنند، اشغالگران خود باعث کمک، تقویت و حمایت نیروهای در حال محاصره طالبان می شوند.

«اگر این نیروها صادقانه بیرون شوند، کمر تروریست ها خواهد شکست.» جویا می گوید:

ما از این به اصطلاح «دست همکاری» امریکا و ناتو که برای توجیه اشغال به کار گرفته می شود، به تنگ آمده ایم. مادر و پدر تمامی این فجایع خود اشغال و حمایت امریکا و ناتو از قاتلان مردم می باشد. وقتی اشغالگران بیرون شوند، بنیادگرایان ناتو خواهند شد. اینان هیچ جایی در قلوب مردم ندارند و ستون فقرات شان خواهد شکست. اگر امریکا به کمک اش به تروریست ها و قاتلان پایان بخشد، دیگر آنان در موقعیتی نخواهند بود که دست به جنگ داخلی زده، افغانستان را مثل دهه نود میلادی ویران نمایند.»

وقتی در باره مسئله تحفظ حقوق زنان که معمولا به مثابه سندی نقل می شود پرسیده شد، جویا یکبار دیگر علیه این حکایت که اشغال امریکا یک پیشرفت مثبت به آزادی های زنان بوده، موضع گرفت.

او می گوید:

«وضعیت زنان در افغانستان یک بهانه برای امریکا و ناتو بود تا کشور ما را مورد تجاوز قرار دهند. ولی این روشن بود که آنان به خاطر زنان نمی جنگند، چون جنگسالاران مرتجعی را بر قدرت نصب کردند که دشمنان قسم خورده زنان اند.»

در باره اعضای دولت بر سر اقتدار که جویا معمولا به سادگی از آنان منحیت «جنگسالاران» نام می برد گفت، این مردان «همانند طالبان زن ستیز اند و حقوق زنان را در افغانستان نمی خواهند. چند زن بنیادگرای نمایشی که لباسهای زیبا بر تن می کنند نباید باعث فریب مردم گردند.»

اما ژرفترین پیام او احتمالا ساده ترین آنست. مردم عام کاملا از جنگ، کشتار و ویرانی به بینی رسیده اند. او به راسخ می گوید:

مردم افغانستان بیزار اند. آنان به علت وحشیگری ها و بیرحمی ای که طی یک دهه گذشته تجربه کرده اند، دیگر به هیچ صورت بنیادگرایی و اشغال برایشان قابل قبول نیست. حال، تمایل بیشتری به سمت

ایده های مترقی و سازمانهای دموکراتیک موجود است. با گذشت زمان، من به ظهور یک آلترناتیو قوی مدافع عدالت در افغانستان امیدوار هستم. ایالات متحده امریکا مانع اصلی در راه رشد اینچنین نیروی دموکراتیک است.

بعضی مردم فریب شعار ضدامپریالیستی طالبان را خورده اند، تعلیم و تربیه در واقع کلیدی برای زدودن اینهمه بدبختی ها و جهالت است. من به یاد دارم که روزی در کابل یک نفر به من زنگ زد و گفت: «خواهرم، من در کوه به سر می برم و با تو موافقم. تو علیه اشغالگران هستی، تو علیه جنگسالاران هستی. اما من به طالبان رجوع کردم تا از جنگسالاران انتقام بگیرم.» او در تلفن داستان طولانی ای را به من تعریف نمود. من برایش گفتم «لطفا از کوه پایین بیا. با طالبان همراهی مکن. رفتن با یک تروریست برای گرفتن انتقام از تروریست دیگر بی معنی می باشد. آنان ترا فریب می دهند.» او پاسخ داد: «بلی، من با تو موافق هستم، اما برای من راه دیگری موجود نبود.» و من با او به بحث رفتم. این بخش مهمی از نقش فعالان دموکراسی خواه را نشان می دهد.

وقتی زنان خواندن و نوشتن را یاد بگیرند، اکثرا به فعالان خارق العاده ای مبدل می شوند و این زنان شجاع پروژه ها و سازمان هایی را رهبری می کنند که واقعا برای حقوق زنان و بشر کار می کنند، مانند راوا، اوپلک، انجمن اجتماعی دادخواهان افغان و چندتای دیگری که من می شناسم و مدافع عدالت اند. حال حتی زنان به جاده ها برآمده دست به تظاهرات می زنند، آنان برقع بر تن کرده علیه امریکا و ناتو و همچنان بنیادگرایان اسلامی دست به مقاومت می زنند. این یک نمونه مثبت و مایه امیدواری به شمار می رود. در تاریخ افغانستان، ما هیچگاهی اینچنین فعالیت ها توسط زنان را ندیده بودیم.

در نقاط مختلف افغانستان اعتراضات هرچند کوچکی راه می افتند. در کابل، جلال آباد، هلمند و فراه و مناطق فراوان دیگر، و برای نخستین بار زنان نیز به این اعتراضات می پیوندند. من امیدوارم که با گذشت زمان همانند کشورها عربی یک جنبش وسیع در افغانستان راه افتد. این زمانی را در بر خواهد گرفت.

همانگونه که نویسنده بزرگ آلمانی برتولت برشت گفته:

«آنانی که مبارزه می کنند شاید بازنده شوند، اما آنانی که مبارزه نمی کنند قبلا بازنده اند.»

و بالاخره وقتی از او سوال شده که پیامش را مستقیما به رهبران سیاسی امریکا و دیگر کشورهای غربی که در تحرکات نظامی جاری ناتو در افغانستان دخیل اند برساند، جویا بدون تعارف حرف زد:

«هرچه زودتر به جنگ جنایتکارانه در کشور من پایان دهید. جنگ شما که تحت شعار گول زننده حقوق

بشر و دموکراسی راه افتید، در واقع جنگی علیه مردم فقیر افغانستان است. شما نه تنها نسبت به مردم افغانستان خاین هستید که به مردم خود نیز خیانت روا داشتید. شما از جیب های مردم نادار امریکا و اروپا دزدیدید و میلیاردها دلار را در کشتن و غارتگری به هدر دادید تا منافع یک اقلیت کوچک نخبه را پاسبانی کنید. شما ماشین عظیم جنگی و تبلیغاتی در دست دارید که دروغ هایتان را تحمیل نمایید. اما وجدان جهان، که تعداد زیادی از عساکر پیشین ضد جنگ را شامل می شود، علیه تان می باشد و شما با هیچ وسیله ای قادر به واژگونی آن نخواهید بود. بنا ماشین جنگی شما محکوم به فناست و مردم رنجبر جهان برنده خواهند بود.»

متن کامل مصاحبه الیزا راسباخ با ملالی جویا را از [اینجا](#) بخوانید.